

سنگهای زنده

اول پطرس ۲، ۲ - ۱۰



مانند نوزادان، مشتاق شیر روحانی خالص باشید تا با نوشیدن آن بتوانید رشد و نمو کرده، نجات یابید. زیرا شما در تجربه خود مهر و محبت خدا را دیده‌اید. پس به سوی او، یعنی آن سنگ زنده که مردم رد کردند، اما در نظر خدا برگزیده و گرانبهاست بیایید. و شما نیز مانند سنگهای زنده‌ای هستید که خانه‌ای روحانی از شما بنا می‌شود و در آن خانه، شما به عنوان کاهنان مقدس، قربانی‌های روحانی را که در نظر خدا پسندیده است، به وسیله عیسی مسیح بگذرانید. زیرا کتاب مقدس می‌فرماید:

«در صهیون سنگ زاویه ممتاز و گرانبهایی قرار می‌دهم و هر که به آن ایمان آورد هرگز شرمسار نخواهد شد.»

برای شما ایمانداران، این سنگ ارزش بسیار دارد. اما برای بی‌ایمانان، «آن سنگی که بنیایان رد کرده‌اند، اکنون مهمترین سنگ بنا شده است.» و همچنین «سنگی است که آنها را می‌لغزاند و صخره‌ای است که روی آن خواهند افتاد.» آری، آنها بر روی کلام خدا می‌افتند، زیرا به آن ایمان نمی‌آوردند. پس سرنوشت آنها همین بود! و اما شما، نژادی برگزیده و کاهنانی هستید که به پادشاهی رسیده‌اید. شما ملتی مقدس و قوم خاص خدا هستید تا کارها و صفات عالی خدایی که شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت کرده است، به همه اعلام نمایید. در گذشته شما قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید. زمانی شما از رحمت الهی کاملاً بی‌خبر بودید، اما اکنون رحمت او از آن شماست!

نزدیک رودخانه دجله در شمال عراق این اتفاق افتاد: مردانی که لباس‌های سفید پوشیده بودند سخت کوشش کردند چیزی را پیدا کنند. واضح بود که آنها روز و شب دنبال سنگها بودند. آنها سنگها را در مقابلشان جمع کردند. به نظر می‌رسید که می‌خواستند آن سنگها را با برس کوچک تمیز کنند. دوباره و دوباره صدا بیرون رفت: «این باید سریعتر برود.» یا «وقت نداریم» این اتفاق بزرگ روی ساحل رودخانه دجله در شمال عراق در این سال افتاد. با توجه به خشکسالی در شمال عراق، باستان شناسان یک قصر که مربوط به ۳۴۰۰ سال قبل بود پیدا کرده‌اند. علاوه بر این بسیاری از دست‌نوشته‌های خط میخی از این زمان پیدا کردند. چنین یافته‌ای برای محققان بسیار مهم است. از آنجا که سنگها و باقی مانده‌های قدیمی مانند نور روشن هستند که می‌توانند به ما توضیح دهند چگونه مردم در آن زمان زندگی می‌کردند. اما باستان شناسان فقط یک پنجره کوچک داشتند، زیرا باران بار دیگر همه چیز را در تاریکی پوشانده بود و شاید به طوری همیشه اسرار کاخ قدیمی را پوشیده نگه دارد.

متن امروز نیز با چنین سنگهای زنده صحبت می‌کند که می‌تواند به ساختار زندگی اضافه شود و نور روشن باشد. نور روشن از گذشته دور نیست، بلکه در تماس مستقیم با مسیح است که الان در دست راست خدای پدر نشسته است. سنگهایی که با مسیح پیوسته شده هستند، نور چراغ از آسمان هستند و می‌توانند تمام جهان را روشن سازند. اگر نامه پطرس از سنگهای زنده صحبت می‌کند، تقریباً فرض می‌شود که او نیز چیزی از مخالفت را درک کند. شاید درباره سنگهای مرده هم می‌دانست. بله پطرس قطعاً این سنگهای مرده را نیز شناخت. به عنوان مثال، معبد بزرگ در اورشلیم وجود داشت. چگونه پطرس همراه با شاگردان‌های عیسی در مورد معبد شگفت‌زده بودند؟ تا آن زمان آنها هرگز چنین ساختار بزرگی را ندیده‌اند. فقط یک سنگ، که بخشی از پایه و اساس معبد بود، به اندازه یک اتوبوس مدرن بزرگ بود. این شکوه در شهر اورشلیم چه تحسین برانگیز بود؟ در همین زمان عیسی تمام هیجان را شکست و گفت: «همه چیز باید نابود شود.» کلمات عیسی تکان دهنده بودند. هیچ شاگردی‌ها نمی‌توانند این کلمات را درک کنند. بعدها، عیسی درباره این معبد بیشتر و بیشتر صحبت کرد. و هر موقع که او این کار را انجام داد، شاگردان هیچ چیزی از کلمات عیسی متوجه نشدند. یک بار تقریباً به شورش بزرگ رسید. برای اینکه عیسی حتی خواست که معبد را از بین ببرد. و گفت همین معبد را فقط در طول سه روز بازسازی خواهد کرد. بله، آن زمانها انقدر جالب بود! اما چند سال بعد از همه این اتفاق‌ها پطرس می‌خواست نامه‌ای به کلیساها بنویسد. او در افکار خود عمیق بود. و مجبور بود دوباره و دوباره به نظر رسید که خود با دیگر شاگردان عیسی به طور کامل دچار سوء تفاهم گردید. حتی در ساعت‌های آخرین قبل از مرگ عیسی، پطرس سعی کرد از او با تمام قدرت خود دفاع کند. او هنوز هم احساس لرزش یخ می‌کرد زمانی که او در مورد آن لحظه فکر کرد که او عیسی را انکار کرده بود. در حال حاضر او یک مرد پیر بود و بسیار تجربه داشت. با توجه به سنش، و با توجه به وضعیت خطرناک کلیسا، امید برای آینده کم بود. زندگی پطرس، مانند سنگهای

روی ساحل رودخانه دجله، به زودی زیر یک لایه عمیق آب ناپدید می شود. شاید کل کلیسا، که در آن زمان تحت آزار و اذیت تلخ بود، هم نابود شود. پس همه ما انسان ها مثل سنگهای مرده هستند که به ناگهان ناپدید می شوند؟ پطرس به شدت متقاعد شد که زندگی به شرایط بدن انسان بستگی ندارد، بلکه در عیسی مسیح بسته است! این همان چیزی است که عیسی خود شهادت داد. بنابراین، با نوشتن این کلمات، او می خواست ما و کلیسا ی آن زمان را تشویق کند: در عیسی مسیح بمانید! در مسیح، ما مسیحیان به ساختاری می رویم که فراتر از زمان ما و فراتر از فرهنگ ما بمانند. این ساختمان در تمام نیروها و تمام زمان ها زنده می ماند.. بله، در عیسی ما حتی با میزبانهای آسمانی هم ارتباط داریم و او یکی از آنهاست. هیچ چیزی در بالا و هیچ چیز در پایین هرگز نمی تواند آن ارتباط را شکست دهد! اما چگونه پطرس می تواند آن ایمان را برای مردم در میان یک وضعیت ناامید توصیف کند؟ او خود شاهد قیام عیسی بود. او خود نیز تجربه کرده است که عمیق ترین ناامیدی را می توان به شادی تبدیل کرد. او این را تجربه کرد زمانی که عیسی پس از انکار خود، او را دوباره پذیرفت و هم به او اعوان رسولان مقدس سپرد. اما چگونه او می تواند همه این ها را به افرادی که آن را تجربه نکرده بودند، توضیح دهد؟ دستهایش را روی سنگ میز انداخته بود، و پس از آن سنگ میز نوازش کرد. برای بسیاری از نسل ها، این سنگ میز به اندازه مخملی صاف و ملایم بود. او دستش را روی این سنگ گذاشت. این سنگ در بسیاری از نسل ها زنده ماند و به زودی دست خود را هم دست می گیرد. در آن زمان کلمات و کار عیسی را به یاد داشت. کل کار و کلمت عیسی در مورد زندگی هستند! همه چیز در مورد زندگی هستند! به همین دلیل عیسی به دنیا آمد! او می خواست ما را از مرگ نجات دهد! او می خواست ما را به سنگ های زنده تبدیل کند. و او بارها در مورد این زندگی صحبت کرد و با اعمال خود شهادت از زندگی ابدی داده است! به همین دلیل است که ما فقط می توانیم در ارتباط با این عیسی مسیح بمانیم. و با این کار زنده بمانیم

"مانند نوزادان، مشتاق شیر روحانی خالص باشید تا با نوشیدن آن بتوانید رشد و نمو کرده، نجات یابید"

این کلام از قلم پطرس خارج می شود. وقتی کلمات عیسی را می خوانیم، ما در او باقی می مانیم و زندگی خواهیم کرد. اقامت در سنگ زنده عیسی مسیح! پطرس قلب انسان را خیلی خوب شناخت. او خیلی خوب می دانست چگونه انسان ها می توانند از مسیر راست عبور کنند و مسیر اشتباه را دنبال کنند. او روزها در اورشلیم را به یاد می آورد. با ترس و وحشت، او فکر کرده بود چگونه انسان ها عصبانی بودند و عیسی را مسخره کردند و در نهایت مصلوب کردند. هنگامی که عیسی بر روی صلیب میخکوب شد، هیچ امیدی برای او و شاگردانش باقی نماند. زندگی عیسی نابود شد. هیچ زندگی در او وجود نداشت. هر کس توانست این را به وضوح ببیند. با بدن عیسی مسیح همه چیز تمام شد و ایمان به پایان رسید. اما در همین زمان خدا در تاریخ بشری دخالت کرد. خدا خودش قوانین طبیعت را عوض کرد و سنگ را در مقابل بدن عیسی حرکت داد و عیسی زنده را بیدار کرد. و با همین عیسی امید زندگی و قدرت را به تمام جهان روشن کرد. موعظه انجیل به کل جهان اشکار بود. خدا سنگ را که بنایان رد کرده اند، اکنون مهمترین سنگ بنا کرد. پطرس در مورد همه چیز فکر کرد و سپس همه چیز دوباره واضح بود. خدا خودش عیسی را زنده کرد. همانطور که خدا خودش کلیسا را تاسیس کرد. بنابراین هیچ نیرویی در بهشت و روی زمین و زیر زمین وجود ندارد که بتواند این ساختار زنده را از بین ببرد. پطرس دست پیر خود را بر روی تخته سنگ میز زده و سپس بر روی پوست نوشتافزار خود نوشت. و کلمات او را امروز خواندیم و آنها قلب مان را لمس می کنند. سنگها می توانند صحبت کنند؟ این را از باستان شناسان می دانیم. اما ما همچنین آن را از پطرس می دانیم. اما در مورد سنگ های مرده هم می دونید؟ در دوران کودکی من به یاد می آورم که در اعتراض به معلمان ما دانش آموزان یک آجر روی کیسه مدرسه نقاشی کردیم. این آجر مرجع ظریف برای ترانه گروه "پینک فلوید" بود که "تنها یک آجر در دیوار" به نام برد. البته در آن زمان، آفریقای جنوبی بسیار محافظه کار بود. به این دلیل همین این آهنگ را به طور کامل ممنوع کرد از آنجا که این آهنگ در مورد نحوه ی شستشوی مغزی دانش آموزها و هم در مورد معلم ها که به دانش آموزها آزادی ندهد صحبت کرد. پینک فلوید، نتیجه گرفت «هیچ چیز نما ند غیر از یک سنگ مرده ... "فقط یک آجر دیگر در دیوار" چگونه این کلمات این گروه هم امروز واقعی هستند. بسیاری از مردم خودشان را مانند یک سنگ بی معنی در یک دیوار احساس می کنند. آنها ناشناخته و بدون توجه احساس می کنند. در تاریخ بشر، واقعا اینجوری اتفاق می افتد که فرد در جریان تاریخ هیچ معنایی ندارد. ما انسان ها خالی به دنیا می آییم و این جهان را نیز خالی ترک خواهیم کرد. عیسی آن را متفاوت می خواند او از طریق غسل تعمید شما را نام برد. او شما را می شناسد و او چیزی بیش از آنچه که شما می توانید تصور کنید داد. زندگی ابدی با عیسی او چیزی بیش از این نمی خواهد، که شما با او باشید. شما زندگی خود را در او دارید و در او باقی می مانید. آمین.